



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۲۴

محمد ایاز نوری

در ارتباط به دو نوشته محترم ن. جلیلزاد در باره جنبش چپ در افغانستان

شاعلی ن. جلیلزاد،

مقالات ۲۰ و ۲۲ نومبر تان پیرامون احزاب چپ و حزب دیموکراتیک خلق افغانستان را خواندم...

با تایید نظریات جناب تان، عرض شود که طبق اسناد چاپ شده، حزب دیموکراتیک خلق افغانستان (حدخا) در جدی سال ۱۳۴۳ش در شهر کابل در منزل نور محمد تره کی با موجودیت عضو مهم دیگر ببرک کارمل در نبود قانون احزاب سیاسی در حالیکه پولیس و سرویس (ضبط احوالات) سلطنت خاندانی نادری در آن کوچه تا و بالا می شدند، تاسیس شد. سوال بر انگیز این است که چرا دولت شاهی وقت در تاسیس چنین حزب خطرناک بی تفاوت و بی پروا، صرف تماشاچی بوده، و چطور این موسسین و رهبران این حزب، علماً و منطقاً به خود قناعت داده بودند که در یک جامعه شدید مذهبی معتقد به دین اسلام و جامعه عمداً ۹۰٪ یا ... بیسواد نگهداشته شده توسط خاندان حاکم، تاسیس چنین حزب چپ و یا با ایدالوژی ماتریالیستی مارکسیستی-لنینیست را برای ترقی و تعالی و تامین عدالت در افغانستان لازم و ضروری پنداشته بودند؟!...

گرچه روایت است که در کنگره موسس، یک کس بنام (ملا عیسی) هم عضو موسسین بود و شخصیت دیگر بنام (آدم خان)، نماز پیشین را خوانده بود. عجباً... .

تحلیل این قلم این بوده است که این کادر رهبری حدخا، با سوء استفاده از ایده کمونیستی، فقط در فکر غصب قدرت دولتی از خاندان نادری برای خویش بودند، برای این هدف منطقاً با همسایه شمالی ما اتحاد شوروی وقت روابط مستقیم بر قرار کرده، ظاهراً با شعار های انقلاب کارگری اما در خفا روی طریقه کودتا و استفاده از اردوی افغانستان ما برای بدست آوردن قدرت دولتی در تلاش بودند. چنانچه قبل از کودتای ۷ ثور ایشان، مسوولین شان در اردو افغان از شاخه پرچم میر اکبر خیبر و از شاخه خلق حفیظ الله امین توظیف شده بودند، تا کادر افسری اردو را به حزب خویش جذب و با نشان دادن مظالم و خیانت های مشهود و واضح خاندان حاکم در حق ملت مظلوم افغان، ایشانرا آماده قیام نظامی برای سقوط خاندان حاکم نمایند، که این پروگرام هئیت رهبری حدخا در ۷ ثور سال ۱۳۵۷ش عملی شده و اختیار دولتی را بدست گرفتند. مردم افغانستان در گُل با عدم درک از ماهیت این رهبران از حاکم شدن ایشان استقبال کردند. اگر این رهبری کودتا که نام این تحول را (انقلاب کبیر ثور) گذاشتند، از همان روز اول قدرت خویش صادقانه و با درایت کامل و دلسوزی، ملت افغان را در آغوش گرفته، در قدم اول با احترام به عقیده دینی ایشان و کار جدی در بهبود وضع اقتصادی مردم کار و مبارزه میکردند، شاید منحیت یک دولت بهتر از داود و خدمتگار ملت می درخشیدند و مردم از ایشان متشکر می شدند. این رهبران از نزد خاندان نادری یک افغانستان ای از نظر خوب «امنیتی» با سیر زمانی نیم قرنه را بدست گرفتند، اما خلاف موازین انسانی و وطن دوستی از روز اول به مثل مریضان روانی و سادیست، تکبر و غرور بیجا، دست به قتل های نا روا، شکنجه و پرتاب کردن منورین و اشخاص حتی بی گناه را بدون حکم قاضی، به زندان ها زدند.

هئیت رهبری این حزب مجرم نزد ملت افغان، در بین خود هم بر سر تقسیم قدرت دولتی بی اتفاق بودند، خصوصاً بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ش تضاد در فرقه خلق و پرچم شدت اختیار کرده، فقط چند ماه پس، جناح کارملی بنام سفرا از کشور اخراج شدند. به تعقیب در داخل جناح خلق دو رهبر نور محمد تره کی و حفیظ الله امین با هم در افتیده و امین

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

موفق شد در سنبله ۱۳۵۸ش تره کی را قتل کند و خود مقام اول دولتی را اشغال کند. این واقعات در داخل یک حکومت، دیگر یک رسوایی بزرگی بود که در بین این حزب بر سر اقتدار بوقوع پیوست. مردم عام در ترس و لرز می زیستند، وضعیت اقتصادی مردم در سطح فقر و بخل و نیمیر بود.

در خارج هم جناح پرچم تحت رهبری ببرک کارمل بیکار ننشسته، با ترک وظایف سفارتی و مخفی شدن بلاخره به مسکو آمده و به طواف قصر کرملین پرداخته، با اسلحه نهایت بُران ای «چاپلوسی» و اکت های منافقانه کمونیست و انترناسیونالیست بودن؟، توجه رهبران فرسوده اتحاد شوروی را به خود جلب نموده، تا ایشانرا برای ارسال عسکر شوروی به افغانستان، سقط حکومت باند امینی و نصب جناح پرچم در راس قدرت راضی سازند. روایت است که درین اقدامات نهایت خطرناک و جنایتبار در حق افغانستان ای مظلوم ما، صدراعظم دولت الکسی کاسیگین سخت مخالف ارسال قواء عسکری به کشور ما بود. دلیل عمده کاسیگین، همان بهانه بزرگ اشغال افغانستان بدست جهان سرمایه و مداخله نظامی ایشان از طریق کشور دومی بود، که بعداً عیناً چنین واقع شد. اما جناح ل. برژنف بیحال ای شرابی و فرسوده، قوی تر عمل کرده و تصمیم اعزام قواء همزمان با نصب جناح پرچم در قدرت دولتی را نهایی ساختند. ورنه به عقیده این قلم در حالیکه سقط باند امین یک امر ضروری بود و اما دولت قدرتمند شوروی این توان را هم داشت که بدون فرستادن قواء عسکری، با یک عمل مبتکرانه، امین و اشخاص نهایت وفادار به وی را دقیق نشانی نموده، با یک عمل غافلگیرانه به محو این باند قاتل و سفاک اقدام میکردند. اما رهبری دولت شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ش با ارسال ۱۴۰ هزار عسکر و تاسیس گارنیزیونها در تمام افغانستان بزرگترین اشتباه را مرتکب شدند، که جهان سرمایه داری غرب زیر شعار اشغال افغانستان توسط دولت اتحاد شوروی با یک اتفاق علیه دولت اتحاد شوروی قیام عملی نمایند.

به هر حال، بلاخره در روز ۶ جدی ۱۳۵۸ش قواء شوروی از سمت شمال داخل افغانستان گردید، و جاسوس دیگر ایشان ببرک کارمل را بعد تره کی و امین در دولت جدید با باند پرچم اش نصب نمودند. از برای خدا... در چنین جامعه آراسته به دین اسلام، و موجودیت ۱۴۰ هزار عسکر تا دندان مسلح در کوچه و بازار کشور ما...؟! همان بود که بزودی مقاومت و جنگ مسلحانه علیه حاکمیت کارملی در تمام نقاط کشور به حمایت غرب ای نشسته در کمن برای شوروی با شدت تمام شروع شد. افغانستان ای از قبل بیچاره و ضعیف نگهداشته شده توسط خاندان نادری، بعد ازین تاریخ عملاً میدان ریسمان کشی نظامی دو بلاک دشمن واقع گردید، و آن عمرانات نیم بند که در طی سلطه خاندان بی رحم نادری در طی سلطه جابرانه ۴۹ ساله = نیم قرنه ایشان بوجود آمده بودند، توسط دشمنان داخلی و خارجی این ملت تاریخی از بین رفته، بلاخره قواء شوروی یا هزار ذلت بعدی ده سال موجودیت جنایتبار ایشان از کشور خارج شده و دولت دست نشانده ایشان تحت رهبری نجیب الله در ۱۹۹۲م به گودال سقوط رفت و راست افراطی مزدور غرب که ماسک اسلامی بروی ایشان پوشانیده شده بود، از طریق کشور پاکستان و ایران به داخل کشور ما ارسال شده و حکومت بی اتفاق زیر نام دولت اسلامی را بنا نهادند.

با یک تحلیل کوتاه رهبران حزب دیموکراتیک خلق - حدخا با این اعمال شنیع و ضد منافع ملی ما، در طی ۱۴ سال منحيث دولت دست نشانده و سوء استفاده از شعار کمونیست بودن و خدمت به مردم، برای چند سبا تصاحب و امتیازات قدرت دولتی قبل از سلطه راست مزدور و جنایتکار، این کشور و مردم ما را به خاک و خون کشاندند، نزد مردم مظلوم افغانستان مجرم و جوابده بوده و مسوولیت ویرانی کشور از نظر مادی و معنوی در طی سلطه ۱۴ ساله ایشان به دوش ایشان میباشد.

ختم

مطالب نشر شده از محمد ایاز نوری در پورتال افغان جرمن آنلاین